

تحلیل داستان‌های سال‌های ابری و آبشوران از درویشیان بر اساس اصول مهم ناتورالیستی

محمدرضا فارسیان*

دانشیار گروه زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

الهام علیزاده**

دانشجوی دکتری آموزش زبان فرانسه دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۴/۰۲/۰۷، تاریخ تصویب: ۹۶/۰۳/۰۲)

چکیده

ناتورالیسم یکی از تأثیرگذارترین مکتب‌های ادبی قرن نوزدهم در اروپا است. این مکتب بر اصولی مبتنی است که علم‌گرایی و طبیعت‌گرایی از مهم‌ترین مشخصه‌های آن است. در ایران این مکتب را نویسندگانی هم‌چون چوبک، هدایت و غیره به جامعه ادبی ایرانی شناسانده‌اند. البته در آثار ادبیات فارسی، ما شاهد برخی اصول غربی این مکتب نیستیم اما آنچه که هم در ایران و هم در اروپا مشترک است پایبندی به اصولی هم‌چون: جبرگرایی، تضاد طبقاتی، فقر، اعتراض‌های اجتماعی و سیاسی، بزرگ‌نمایی زشتی‌ها و... می‌باشد. نوشته‌های علی‌اشرف درویشیان نویسنده دهه ۴۰ ایران بیشتر این ویژگی‌ها را بازتاب می‌دهد لذا این پژوهش بر آن است تا آبشوران و سال‌های ابری، دو اثر مهم این نویسنده، را از منظر اصول ناتورالیستی به بررسی بنشیند تا ببیند آیا می‌توان تفکرات این نویسنده را در ادامه تفکرات نویسندگان ناتورالیست، به خصوص زولا، برشمرد یا خیر؟

واژه‌های کلیدی: ناتورالیسم، درویشیان، سال‌های ابری، آبشوران، زولا.

* نویسنده مسئول: E-mail: farsian_mr@yahoo.fr

** E-mail: elham2007alizadeh@yahoo.com

۱- مقدمه

فرانسه در قرن نوزدهم، شاهد تعدد مکتب‌های ادبی بود. یکی از مؤثرترین و در عین حال ناپایدارترین این مکتب‌ها، طبیعت‌گرایی بود. در چگونگی نام‌گذاری این مکتب بدون شک نباید از نقش گروه "مدان" غافل ماند. این گروه متشکل از زولا و نزدیک‌ترین شاگردانش بود و با گردآوری کتابی به نام شب‌نشینی‌های مدان^۱ در آوریل ۱۸۸۰ روحیات حاکم بر گروه را نیز منتشر کردند. طبیعت‌گرایی تاریخی دور و دراز دارد و نسبتاً دیر از طریق زبان علم و فلسفه وارد عرصه ادبیات شده است.

ناتورالیسم مکتبی فلسفی به شمار می‌آید. مکتبی که طبیعت را به عنوان اصل بنیادین می‌پذیرند که سایر امور حول آن می‌چرخد. در فلسفه قدیم اما تعریف دیگری دارد ماده‌گرایی، دین‌گریزی و لذت‌جویی اصول ناتورالیسم به حساب می‌آیند. سنت بوو^۲ منتقد نامی قرن نوزدهم فرانسه نیز نظری شبیه به فلاسفه قدیم دارد و ناتورالیسم را در ردیف ماده‌گرایی قرار می‌دهد. جولانگاه ناتورالیسم علاوه بر فلسفه در هنرهای زیبا نیز می‌باشد. نقاشی یکی از هنرهاست که نقاش با تقلید دقیق از فرم‌های موجود در طبیعت اثری هنری خلق می‌کرد. مشاهده دقیق آنچه در پیرامون است و متوسل شدن به آرایه‌های ادبی هم‌چون تشخیص و اغراق برای به تصویر کشیدن واقعیات زندگی و بزرگ‌نمایی زشتی‌های اجتماع، اصل مهمی است که ناتورالیسم را از دیگر مکتب‌های ادبی متمایز کرده است.

زولا که از پیشگامان بزرگ ناتورالیسم است این مکتب را محصول طبیعی جامعه دموکراتیک می‌داند. طبق نظر زولا رمان گزارش نامه‌ای است که به بیان تجربیات می‌پردازد و در این راستا معتقد است تخیل را به این وادی راهی نیست. لذا بی‌دلیل نیست که ناتورالیسم را نوع افراطی رئالیسم بدانیم، چنان که خود ناتورالیست‌ها نیز خود را نسل دوم رئالیست‌ها می‌دانستند. برخی منتقدان حتی رئالیسم و ناتورالیسم را یک چیز می‌دانند.

زولا نظر خود را درباره تخیل چنین بیان می‌کند: "همان‌طور که سابقاً می‌گفتند فلان نویسنده دارای تخیل قوی است، من می‌خواهم از این پس بگویند که دارای حس واقع‌بینی است. چنین تعریفی از نویسنده بزرگ‌تر و درست‌تر خواهد بود. موهبت دیدن خیلی کمتر از موهبت آفریدن، در اشخاص مختلف وجه مشترک دارد" (سید حسینی، ۱۳۷۶، ۴۰۶).

1. Les Soirées de Medan

2. Sainte-Beuve

علاوه بر زولا نویسندگان و منتقدان بزرگ نیز چنین عقیده‌ای داشتند، هم‌چون تودوروف^۱ که می‌گوید: "برای نویسنده حائز اهمیت است که بتواند خواننده‌اش را به وسیله ارائه بازنمودی از واقعیت - که نقش خود واقعیت را ایفا می‌کند - در دنیای رمان درگیر کند. این بدان معناست که نویسنده با استفاده از اسلوب راست‌نمایی، تصویری از واقعیت به خواننده ارائه می‌دهد؛ در نتیجه خواننده خود را در بطن داستان احساس می‌کند" (مقدادی، ۱۳۷۸، ۵۱).

نظرات فلسفی - ادبی هیپولت تن^۲ منتقد بنام فرانسوی و مطالعات فیزیولوژیست‌ها و پزشکانی همچون کلود برنار^۳ و نظرات داروین^۴ تأثیری الهام‌بخش بر مکتب ناتورالیسم داشت. داروین انسان را از تباری پست‌تر از حیوان می‌داند که برای بقا خود نزاع می‌کند. در دنیای مادی او، قوی دوام می‌آورد و ضعیف از بین می‌رود این اصل هر چند مخالف آموزه‌های دینی و اخلاقی ماست اما جان‌مایه اصلی رمان‌های ناتورالیستی به شمار می‌رود. در مواقع بحرانی، شاهدیم پرسوناژهای رمان، تحت یک فشار، به تحریک غریزه جنسی یا تحت تأثیر افیون و الکل به حیوان بدوی نهفته در باطن خویش بازمی‌گردند. هیپولیت تن نیز اولین کسی بود که اصول ناتورالیسم را در ادبیات مورد بحث و نقد قرار داد. تن معتقد به نقش سه عامل "وراثت، محیط و لحظه" است. سه عامل مهم که در شکل‌گیری اصول ناتورالیستی نقشی عمده داشتند. تن معتقد است که طبیعت با تمام لوازم و توابع آن به وسیله ایجاد سلسله‌ای از حوادث در تکوین و تکامل درونی و جسمانی انسان تأثیری دوگانه دارد. جنبه درونی که به ادراکات عمیق مرتبط می‌شود و اندیشه‌ها را پدید می‌آورد و جنبه جسمانی انسان با مظاهر خارجی که بدین وسیله می‌توان تمام ابعاد شخصیت انسان را تشریح کرد و ویژگی‌های انسان را پیش‌بینی کرد (هلال، ۱۳۷۳، ۸۸).

امیل زولا^۵ در فرانسه پیشگام این جریان شد و نویسندگانی همچون آلفونس دوده^۶، برادران گنکور^۷، گی دو موپاسان^۸، در انگلستان جورج مور^۹ و جورج گیسینگ^{۱۰} و در آمریکا هاوولز^{۱۱}

1. Todorov
2. Hippolyte Taine
3. Claude Bernard
4. Charles Robert Darwin
5. Emil Zola
6. Alphonse Daudet
7. Goncourt
8. Guy de Maupassant
9. George Moore
10. George Gissing
11. William Dean Howells

و تئودور درایزر^۱ از جمله نویسندگانی بودند که همراه این جریان شدند. جامعه ادبی ایران نیز در بحبوحه اتفاقات سیاسی و اجتماعی دهه بیست و به وسیله نویسندگانی هم چون گلستان، بزرگ علوی، چوبک و آل احمد، با مکاتب رئالیسم و نیز ناتورالیسم آشنا می‌شود و آثار ادبی نیز کم‌وبیش با الهام از این جریان‌ها نگاشته می‌شود. ناتورالیسم مثل هر مکتب دیگری پایبند به اصولی است که از جمله اصول آن می‌توان به علم‌گرایی، جبرگرایی، ترسیم زشتی‌ها، فقر، اختلاف طبقاتی، وراثت، اعتراض‌های سیاسی و اجتماعی اشاره کرد. در این پژوهش ابتدا به تاریخچه و عوامل شکل‌گیری و حضور این مکتب در ادبیات ملل مختلف، به ویژه فرانسه و ایران پرداخته، سپس اصول اساسی و بنیادین ناتورالیسم را مورد مطالعه قرار می‌دهیم و در نهایت دو اثر آبخوران و سال‌های ابری را که از آثار مهم علی‌اشرف درویشیان نویسنده معاصر ایران است، بر مبنای اصول و مشخصه‌های حاکم بر آنها که از اصول ناتورالیسم نشئت می‌گیرد، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲- اصول مکتب ناتورالیسم

۱. علم‌گرایی: یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصول ناتورالیسم علم‌گرایی است. زولا ادبیات را علم می‌داند و هنرمند را یک دانشمند می‌نامد وی استدلال می‌کند که شخصیت هنرمند تابع واقعیت و طبیعت است و همان‌گونه که دانشمندان در آزمایشگاه نمی‌گذارند شخصیت و آزمایش‌شان تداخل کنند، هنرمندان نیز اجازه نمی‌دهند تا شخصیت و آزمایش‌شان تداخل یابد. بدین ترتیب هنرمند و دانشمند یکی هستند (حسن زاده میرعلی، ۱۳۸۷، ۹۳).

۲. اخلاق: هر چند اکثریت منتقدان در آثار زولا تمایل شدیدی به بی‌پردگی و غیراخلاقی بودن کشف می‌کردند اما او ادعا می‌کرد که اثر علمی، یعنی رمان جدید، در عین حال یک اثر اخلاقی است. تصمیم به برملا شدن همه واقعیت‌ها، ناتورالیسم را به ابتذال روزمره کشاند (سیدحسینی، ۱۳۷۶، ۴۱۰). بی‌اعتنایی به اخلاق به واسطه عقیده ناتورالیست‌ها به این اصل است که تحت تأثیر عوامل سه‌گانه "وراثت، محیط و لحظه" رفتار انسان همچون یک ماشین می‌گردد.

۳. توصیف مفصل جزئیات: یکی از ویژگی‌های مهم متون ناتورالیستی توصیف مفصل فضای صحنه‌هاست، لذا یکی از مناسب‌ترین و بهترین ژانرها برای عینیت بخشیدن به این اصل، ژانر نوشتاری رمان است. می‌توان چنین اذعان کرد که رمان جلوه‌گاه عالی ناتورالیسم

1. Theodore Dreiser

است. "از منظر نویسندگان ناتورالیست، حقیقت تنها از طریق معاینه دقیق اشیاء و مکان‌ها به دست می‌آید. طبق این دیدگاه آنچه دیده می‌شود مهم است نه آنچه شنیده می‌شود" (میرصادقی، ۱۳۷۳، ۲۶۳).

۴. وراثت: به ارث رسیدن خصوصیات روحی و حتی جسمانی هر فرد از پدر و مادرش از آراء و نظریات مهم ناتورالیستی است. زولا این اصل را از کتاب رساله وراثت طبیعی اثر لوکا الهام گرفت. البته عقاید هیپولت تن راجع به سه عامل مهم وراثت، محیط و لحظه به عنوان یکی از تأثیرگذارترین نظرات بر اصول این مکتب می‌باشد. "امیل زولا نیز درباره نقش وراثت معتقد بود در آفرینش و تحلیل ادبی باید به خصوصیات جسمی و روحی به ارث رسیده آفریننده و شخصیت‌های داستانی توجه داشت. از این منظر انسان حیوانی است که سرنوشت او را وراثت و محیط و لحظه تعیین می‌کنند" (فورست و اسکرین، ۱۳۷۵، ۲۶-۲۷).

۵. جبرگرایی: تحمیل بعضی از رخدادهای زندگی از بیرون به انسان، سرنوشت‌محور بودن شخصیت‌های داستان ناتورالیستی و توجیه بدبختی‌های زندگی با تسلیم سرنوشت بودن از اهداف نویسنده طبیعت‌گراست. "طبق نظر ر.چیس در آیین ناتورالیستی فرض بر این است که تقدیر گاهی از بیرون بر شخص تحمیل می‌شود بنابراین قهرمان رمان ناتورالیستی بیشتر در اختیار شرایط است تا خودش، در واقع غالباً به نظر می‌رسد که اصلاً خودی وجود ندارد" (فورست و اسکرین، ۱۳۷۵، ۲۷).

۶. زبان عامیانه: بعد از عصر رمانتیک‌ها و سخنان شسته و رفته پرسوناژهای داستان، اینک و در عصر سلطه ناتورالیست‌ها زبان عامه مردم به وسیله نویسندگان انتخاب شد این انتخاب می‌توانست بر جنبه واقعیت‌گرایی آثار ناتورالیستی بیفزاید. زبان نوشتار بر مبنای زبان عامه مردم است. نویسنده برخلاف نویسندگان رمانتیک، به بیان احساسات و زندگی درونی شخصیت‌ها نمی‌پردازد بلکه برای نشان دادن واقعیت زندگی از هرگونه اظهار نظر و بیان عواطف خویش دوری می‌کند تا بتواند به حقیقت، به رسالت خود که بازنمایی عینی و تقلید واقعیت خارجی است نائل شود (همان، ۱۶).

۷. شخصیت‌های داستان: در آثار نوشته شده بر پایه اصول ناتورالیسم شاهد حالت انفعالی شخصیت‌های داستان هستیم. شخصیت‌هایی که نیروی کافی برای پیروز شدن ندارند چرا که اغلب از طبقه ضعیف جامعه‌اند که محکوم به شکست هستند و این عاملی می‌شود برای تجلی نیهیلیسم و پوچ‌گرایی در تم‌های داستانی ناتورالیستی. "نوگرایی و سنت‌شکنی نویسندگان ناتورالیست، به ویژه زولا به عنوان طلایه‌دار این جنبش ادبی را می‌توان در گزینش

شخصیت‌های فرودست و تیپ‌های آسیب‌پذیر اجتماعی خلاصه کرد. می‌توان گفت که نویسنده ناتورالیست در انتخاب پرسوناژ خود غالباً شخصیت‌هایی را بر می‌گزیند که از خود، انگیزه‌های حیوانی قوی‌تری هم‌چون حرص، شهوت و خوی حیوانی بروز می‌دهند" (فهیم کلام، ۱۳۹۰، ۸۴).

۳- انقلاب صنعتی و ناتورالیسم

زمان شکل‌گیری مکتب ناتورالیسم در فرانسه هم‌زمان با دورانی است که انقلاب‌های کارگری مقابل حکومت‌های بورژوازی قرار می‌گیرند. قرن نوزدهم عصر ظهور و تعدد حزب‌های سیاسی، انقلاب‌ها و مکتب‌های ادبی است.

در شکل‌گیری مکتب ادبی ناتورالیسم نمی‌توان از نقش مهم انقلاب صنعتی اروپا چشم‌پوشی کرد، انقلابی که از عمیق‌ترین پیامدهایش می‌توان به دگرگونی‌ها، نگرش‌ها و آرمان‌های جامعه اشاره کرد. انقلاب صنعتی دو بعد متفاوت از هم داشت: بعدی که موجب توسعه شهرها و پیشرفت‌های تأثیرگذار بر علم شد و بعد دیگر آن، که شوربختی و ستم‌دیدگی توده مردم را به دنبال داشت. ناآرامی‌های اجتماعی و فقر میان طبقات زحمت‌کش و سطح پایین جامعه از ثمرات انقلاب صنعتی برای عامه مردم بود. با توسعه اقتصادی شاهد رشد نوعی بی‌احساسی در جامعه توسعه یافته اروپا هستیم. با مردمانی سروکار داریم که مدام در حال محاسبه سود و زیان و صورت‌برداری از اموال خود هستند. پس دور از ذهن نیست که زولا انسان قرن نوزدهم را بیمار پیشرفت و صنعت می‌داند. زولا می‌گوید: "ما بیمار پیشرفت و صنعت و علم هستیم و غرق در تب زندگی می‌کنیم" (سیدحسینی، ۱۳۷۶، ۴۰۱).

۴- مشخصه‌های آثار ناتورالیستی

نکته مهمی که تبیین و تشریح عقاید و قواعد مکتب ناتورالیسم را دشوار می‌کند، عدم وحدت و یکپارچگی حاکم بر این مکتب است. ناتورالیسم به سه دلیل یک مکتب یک‌دست شمرده نمی‌شود؛ اول آن‌که گروه بندی‌های درون هر کشور با سرعت چشم‌گیری شکل می‌گرفتند و از هم می‌پاشیدند و ناتورالیسم هم از این قاعده مستثنی نبود. دوم این‌که ناتورالیسم حتی با تعبیر ادبی خاص آن و صرف نظر از معانی فلسفی پیشین خود به هیچ زمان مشخصی محدود نمی‌شود. در فرانسه اوج آن در سال ۱۸۷۰، در آلمان و ایتالیا درست یک دهه بعد و در انگلستان در سال‌های ۱۸۹۰ شکل گرفت. سوم این‌که ناتورالیسم در هر سرزمینی و

بر حسب اوضاع و احوال بومی، دچار تغییر و تحولات عمده‌ای می‌شد (قاسم‌زاده، ۱۳۸۹، ۵۳). با وجود این، برخی از اصول مشترک در آثار ناتورالیستی عبارت‌اند از: استفاده از زبان عامیانه، توجه به شیوه زندگی توده مردم، توصیف جزء به جزء فضای داستان، یأس و ناامیدی، بیان شرایط اقلیمی، توجه اغراق‌آمیز به زشتی‌های جامعه، جبرگرایی، فقر، حضور شخصیت‌های انفعالی داستان، خرافه و اندیشه‌های جاهلی و غیره. عدم توجه به اخلاق از جمله نکات بارز در آثار ناتورالیستی است این بی‌اعتنایی به اخلاق عاملی شد که ناتورالیست‌ها را زود انگشت‌نما ساخت. این بی‌اعتنایی نتیجه بسط یافتن روش علمی زمانه تا قلمرو اخلاق بود (رادفر و میرعلی، ۱۳۸۵، ۶۴).

۵- ایرانیان و مکتب ناتورالیسم

تبادلات ایرانیان با اروپا و به خصوص فرانسه به دوره حکومت صفویان بازمی‌گردد. تأسیس دارالفنون، حضور دانشجویان ایرانی در فرانسه به منظور ادامه تحصیل و ورود صنعت چاپ از مهم‌ترین عوامل آشنایی ایرانیان با زبان و ادبیات فرانسه است. در امر تأثیرپذیری نویسندگان ایرانی از ادبیات فرانسه، نباید نقش مهم ترجمه را نادیده گرفت. بیشترین آثار ترجمه شده در ایران، آثار نویسندگان بزرگ قرن نوزدهم فرانسه بود. امیل زولا یکی از نویسندگان فرانسوی محبوب در ایران است که علاوه بر خوانندگان آثارش، تأثیر زیادی بر نویسندگان معاصر ایران داشت. سبک نگارشی زولا، بر نویسندگان ایران تأثیر بسزایی داشت و از آن جایی که زولا بنیانگذار مکتب ناتورالیسم است لذا، نویسندگانی که تحت تأثیر آثار زولا بودند، تحت تأثیر مشی فکری او نیز قرار گرفتند.

در مورد ورود مکاتب ادبی غربی به ایران سلیمانی معتقد است که ما دوره‌ها و مکاتب خاص ادبی را مانند غرب پشت سر نگذاشته‌ایم. اگر گفته می‌شود که چوبک ناتورالیست است یا فلانی رمانتیست است به معنی این نیست که این نویسندگان واقعاً از لحاظ تاریخی با مکتب ناتورالیسم یا رمانتیسم در غرب منطبق هستند (سلیمانی، ۱۳۶۸، ۳۷). به طور کلی در آثار انتقادی-سیاسی دهه ۲۰ در ادبیات داستانی ایران می‌توان نمونه‌هایی از آثار ناتورالیستی را مشاهده کرد در آثار نویسندگانی هم‌چون ابراهیم گلستان، تنکابنی، رضا بابا مقدم، درویشیان، هدایت، چوبک، جمال‌زاده، بزرگ علوی و جلال آل احمد (حسن‌زاده میرعلی، ۱۳۸۸، ۴۴). شاید بتوان علی‌اشرف درویشیان را در زمره نویسندگان ناتورالیست ایران به حساب آورد. او ادعان می‌کند که: "من نقش تخیل را در خلق یک اثر هنری نفی نمی‌کنم و آن را یکی از

توانایی‌های عمده یک نویسنده و هنرمند می‌دانم اما واقعیت‌های زندگی چنان مرا احاطه کرده است که فرصتی برای پرداختن به تخیل نداشته‌ام. من حتی تخیل را در خدمت بیان واقعیت‌های زندگی می‌دانم" (علی اکبری، ۱۳۸۶، ۲۱۴). این نظر درویشیان ارتباط مستقیم با نظر زولا دارد. رمان سال‌های ابری برش‌هایی از زندگی من است می‌توانم به جرئت بگویم که حدود ۹۰٪ از زندگی من و ماجراهایی است که بر من گذشته است" (همان).

۶- درویشیان و مکتب ناتورالیسم

این نویسنده در سوم شهریور ماه سال ۱۳۲۰ در کرمانشاه متولد شد و به مدت ۸ سال در روستاهای گیلانغرب و اسلام‌آباد غرب آموزگار بود. سال و محل تولد، شرایط شغلی و شهرهایی که نویسنده در آنها مشغول به کار بود دقیقاً همان سال‌ها و همان شهرهایی است که پرسوناژ اصلی داستان سال‌های ابری در آنجا متولد شده و به کار معلمی مشغول شده است. طی سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ به علت نوشتن کتاب و فعالیت‌های سیاسی سه بار دستگیر و ممنوع‌القول شد. کار نویسندگی او با چاپ مقاله "صمد جاودانه شد" در مجله جهان نو آغاز شد (کازرونی، ۱۳۷۷، پیش‌گفتار). از مهم‌ترین آثار درویشیان می‌توان: از این ولایت، فصل نان، سال‌های ابری و آبشوران را نام برد. درویشیان وقایع زمانه خود را به شکلی مستند ترسیم می‌کند و بزرگ‌نمایی زشتی‌های جامعه در آثارش بیشتر نشئت گرفته از نگاه ظریف و دقیق او به پیرامونش است تا این‌که زاییده تخیلاتش باشد. در این بخش تلاش می‌شود تا دو اثر معروف درویشیان با عنوان سال‌های ابری و آبشوران از منظر اصول ناتورالیستی مورد بررسی قرار بگیرد.

۷- آبشوران^۱

آبشوران مجموعه‌ای از دوازده داستان کوتاه است با عنوان‌های؛ خانه ما، دو ماهی در نقلدان، بیالون، ماهی‌ها و غازها، باغچه کوچک، ننه جان چه شده؟، عمو بزرگه، بیماری، حمام، آب‌پاش و صلح. شخصیت‌های داستان هم‌چون غالب داستان‌های ژانر ناتورالیسم پر تعداد هستند اما مهم‌ترین پرسوناژها همان شخصیت‌های داستان سال‌های ابری هستند که عبارت‌اند از سه برادر با نام‌های شریف، لطیف، بشیر که با پدر، مادر (که در داستان‌ها ننه نامیده می‌شود)،

۱. آبشوران در واقع نام محله‌ای محروم در کرمانشاه است که در این داستان بستر اصلی اتفاقات داستان می‌باشد.

مادر بزرگ (بی‌بی)، عمو پیره (شوهر بی‌بی) و دایی موسی در اتافی اجاره‌ای در محله آبشوران زندگی سختی را گذران می‌کنند. در هر یک از این داستان‌ها که آبشوران فضای اصلی وقایع می‌باشد خواننده با ترسیم فضایی مملو از کثیفی و پلشتی‌ها مواجه است. محله‌ای فقیرنشین و محروم در کرمانشاه که زادگاه نویسنده است. این انتخاب می‌تواند به علت تسلط بیشتر نویسنده بر محیط اجتماعی رخدادها باشد. جایی که آستن همه اتفاقات مهم داستان‌هاست. فضای داستان‌ها غالباً سیاه، تراژیک و غم‌انگیز است. ترسیم دقیق فضاهای داستان در واقع تأکیدی بر نقش عامل محیط در شکل‌گیری پرسوناژهای داستان است. طبق نظر هیپولت تن انسان جدا از دو عامل ذات و محیط نیست و این گونه نشان داده می‌شود که محیط و ذات بر شکل‌گیری افراد تأثیر یکسان دارند. هر فرد در جامعه ترسیم شده به وسیله نویسنده ناتورالیسم، محصول محیطی است که در آن پرورش یافته و رفتارهایش نمودی از واکنش‌ها و برخورد با افرادی است که در زندگی روزمره با آن‌ها معاشرت دارد.

۸- سال‌های ابری

سال‌های ابری یک خودزندگی‌نامه محسوب می‌شود. اثری که برشی از زندگی شخصی درویشیان است. این کتاب انعکاسی از حقایق زندگی روزمره مردمانی است که در سال‌های نه چندان دور در همین مرز و بوم زیسته‌اند. شخصیت‌های داستان مردمان معمولی ولی واقعی جامعه‌اند. در چهار جلد و حدود دو هزار صفحه، نویسنده، خواننده را با نماهایی ازدوران‌های مختلف زندگی‌اش از جمله کودکی، نوجوانی، بازداشت، زندان، شکنجه، جنگ ایران و عراق و مسائل بعد از جنگ آشنا می‌کند. این داستان سرگذشت چند نسل از خانواده داوریشه از دهه سلطنت احمد شاه قاجار تا ۱۳۵۷ را ترسیم می‌کند. راوی این داستان شریف پسر بزرگ مشی بوچان است. مشی بوچان پسر، بزرگ مردی به نام داوریشه است. داوریشه به محض تولد مادرش را از دست می‌دهد و چون مادرش در لحظه مردن فقط اسم داوریشه را صدا می‌زده او را هم به همان نام نهادند و زنی تنها به نام میم فانوس او را بزرگ کرد. در واقع اسمی که مادر داوریشه به هنگام وضع حمل صدا می‌زده نام پدر داوریشه بوده، دهقانی فقیر که برای رفع گرسنگی و هوس زن پا به ماهش دزدکی به آشپزخانه خان می‌رود ولی از بد حادثه او را دستگیر می‌کنند، گوشش را می‌برند اما او فرار می‌کند. خان دستور می‌دهد زن پا به ماهش را با گیسو به دم قاطر ببندند و در بیابان رها کنند. به این ترتیب زن بعد از وضع حمل از دنیا می‌رود. داوریشه که بزرگ می‌شود در برابر ظلم و ستم خان و مالکی ستمگر ایستادگی کرد و

ثمره ایستادگی اش، بیچارگی و آواره شدن او شد، در ادامه داستان نیز شاهدیم که بوچان پسر داوریشه نیز سرنوشتی چون خود او نصیب می شود او که در سال ۱۲۸۸ روستا به شهر کوچ می کند. این تاریخ برای بوچان مهم است چون در یازدهم سنبله ۱۲۸۸ شمسی داوریشه پدر بوچان را از درخت توت جلو قصر شامارخان - یکی از مالکین زمین ها و مستغلات کرمانشاه - آونگ کرده بودند و چنین مقدر می شود که شریف فرزند اول بوچان نیز شاهد تکرار نگون بختی ها ورنج ها و مصیبت ها باشد شریف بر خلاف پدرش بوچان انسان حق طلبی است که این دادگری و حق طلبی را از پدر بزرگش داوریشه به ارث برده است. رنگ و بوی بومی - محلی داستان های درویشیان یکی از کاراکترهای تعیین کننده برای نوشته های وی است. فضای آغازین داستان سال های ابری فضایی دردآلود است.

آغاز داستان با ترسیم لحظه تولد بیانگر تحول است، تحولی که می تواند هم زمان پیام آور امید یا ناامیدی باشد. از این بعد که حاصل دردها و صبر بر این رنج مولد یک فضای روشن باشد یا ادامه دهنده دردها و نویدبخش ظهور دیگر رنج و مرارت ها باشد. این شروع در واقع ترسیم کننده فضای غالب بر داستان است. خانواده ای فقیر که به شدت تحت تأثیر اندیشه های خرافی است. تولد فرزند سوم از منظر شریف قهرمان داستان که علاوه بر مشاهده دردهای مادر شاهد دردهایی است آغشته به خرافه که این درد می تواند یکی از عوامل نگون بختی اعضای این خانواده باشد. مادر بزرگ یکی از افراد بسیار مؤثر در داستان است که خرافه شکل دهنده اصلی شخصیت اوست. فقر و جهل فرهنگی حاکم بر داستان ریشه گرفته است از عامل بزرگی با عنوان فقر اقتصادی. شخصیت های داستان، افراد واقعی جامعه اند. هر شخصیت مطابق با اندیشه و باور خود به زندگی نگاه می کند و خواننده شاهد تناسب کردار و گفتار پرسوناژهای داستان با طبقه اجتماعی خود است. "توصیف نویسنده از واقعیت وجود انسانی و روابط اجتماعی او توصیفی برهنه است" (اصلاح پذیر، ۱۳۸۹، ۸۴).

۹- توصیف فضاهای داستانی

از نظر ناتورالیست ها، حقیقت تنها از طریق معاینه دقیق اشیاء و مکان ها به دست می آید. از نظر آن ها تنها آنچه دیده می شود مهم است (میرصادقی، ۱۳۷۳، ۲۶۳). توصیف دقیق و موشکافانه مکان های داستان از نکات بارز و قابل اهمیت آبشوران به شمار می آید و خواننده در صفحه به صفحه این اثر شاهد توصیفات ظریف و دقیق نویسنده از فضاهای داستان می باشد:

زباله‌ها را در آشوران می‌ریختند. از بالای شهر همین‌طور که پایین می‌آمد، بارش را می‌آورد تا به در خانه ما می‌رسد. همه بارش را روی گرده ما خالی می‌کرد. سیل پل‌های چوبی را خراب می‌کرد (درویشیان، ۱۳۵۸، ۶).

توصیف خانه‌ها و محله فقیرنشینی که مملو از بوهای نامطبوع، کثیف و نامناسب برای زندگی است. ترسیم محله‌هایی که فقر، نکبت و بیماری بر آن‌ها سایه افکنده است. بی‌شک عدم رعایت بهداشت یکی از عوامل مهم بیماری‌هاست:

آشوران با بوی مستراح‌هایش ما را در آغوش خود جای می‌داد. از روی لوله‌های فلزی که آب به خانه‌های آجری می‌برد (همان، ۸).

۱۰- استفاده از صنعت تشخیص یا جان‌بخشی

گاهی این ظرافت و دقت حاکم بر روح آثار مبتنی بر اصول ناتورالیسم به حدی می‌رسد که در جهت اثربخشی بیشتر روی خواننده و درک عمیق‌تر وی از وضعیت اسف‌بار زندگی و سختی‌های آن، به جان‌بخشی حوادث یا اشیاء می‌پردازد. اوج استفاده از این صنعت را باید نزد امیل زولا جستجو کرد؛ آن‌جا که در *رمان انسان وحشی* نقش اصلی را به قطار می‌دهد، آن را نام می‌بخشد و در حد معشوقه لوکوموتیوران بالایش می‌برد و در نهایت عامل مرگ بسیاری از انسان‌های بی‌گناه (از نظر زولا) می‌شود. درویشیان نیز از جان‌بخشی غافل نمی‌ماند و هر جا به دنبال اثربخشی بیشتر بر خواننده می‌باشد، از آن بهره می‌برد:

سیل که می‌آمد آشوران پر می‌شد و آب از مستراح‌ها فواره‌وار بالا می‌زد. حیاط را پر می‌کرد. چاه را پر می‌کرد، چوب‌های پوسیده و کاه‌ها و دسته‌گل‌های پلاسیده بالای شهری‌ها را روی دستش می‌گرفت و می‌آورد تو اتاق ما و به ما تقدیم می‌کرد. فقط زبان نداشت که سلام کند (همان، ۹).

۱۱- کاربرد زبان و گویش محلی

در حقیقت، استفاده از زبان مردم کوچه و بازار، به عنوان زبان شخصیت‌های اصلی داستان، در قرن نوزدهم میلادی را امیل زولا باب کرد و البته مورد انتقاد بسیاری از ادیبان و منتقدان

ادبی قرار گرفت ولی از سوی دیگر برخی هم چون مالارمه^۱ و مویاسان^۲ از این شیوه به عنوان روشی نوین و هنر منحصر به فرد زولا یاد کردند. از ویژگی‌های مثبت ناتورالیسم که نباید نادیده گرفته شود، زبان صمیمی و نزدیک به زبان محاوره آن‌هاست. در حقیقت اولین بار ناتورالیست‌ها بودند که در نقل قول‌ها و گفتگوهای شخصیت‌های آثار خویش سعی کردند از جملات و تعبیراتی استفاده کنند که در زبان روزمره و عادی مردم جاری بود (سیدحسینی، ۱۳۷۶، ۴۱۲). درویشیان با توجه به این که خود در فضایی که عناصر اصلی داستان در آنجا شکل می‌گیرد، زندگی کرده و به خوبی به زبان و گویش مردمان مسلط است، با باورهای شخصیت‌های داستان زندگی کرده و در لحظه لحظه زندگی‌اش نمود این باورها را تجربه کرده است لذا وی توانسته، به شکلی هنرمندانه از این مشخصه ناتورالیسم برای هرچه تأثیرگذارتر شدن اثر خود استفاده کند و با تلفیق زبان گفتگوی مختص مردم محروم یا طبقه پایین اجتماع با گویش ویژه آن منطقه و با به نگارش درآوردن آنها، به این ویژگی ناتورالیسم هر چه نزدیک‌تر شود. لحن طرز برخورد نویسنده با موضوع و خواننده به صورت‌های گوناگون است (عطفی و سپهوند، ۱۳۸۷، ۱۰۴). زبان و لحن گفت‌وگوها و کاربرد اصطلاحات و تعبیرات بومی از عوامل مهمی است که داستان را عینی‌تر جلوه می‌دهد. ساده‌نویسی می‌تواند تکنیکی برای بیان هر چه بهتر رنج‌ها و آلام توده مردم باشد. در صفحه به صفحه آثار درویشیان، از جمله سال‌های ابری و آبشوران می‌توانیم این اصطلاحات و تعبیرها را ببینیم. برای مثال:

روله روله براتان بکنم الهی (درویشیان، ۱۳۵۸، ۸) (روله: فرزند).

شدین فعله‌های قزوین، از صب تا عصر کار میکنین و عصر هم هیچ ندارین
(همان، ۹) (فعله: کارگر).

من و اکبر با دختر همسایه که از زیر چادرش بوی خوبی می‌آمد و پشت ناخن‌هایش
از چیدن کلاش ریش ریش شده بود قمچان می‌کردیم (همان، ۱۱) (قمچان: یه قل دوقل).

بایه غش‌ها، قوشمه‌ها (همان، ۱۲) (بایه غش: جغد، قوشمه: بدقدم).

چه چپی می‌زنند (درویشیان، ۱۳۷۰، ۵۱) (چپ زدن: کف زدن).

بیرون ساقیان است (همان، ۵۳) (ساقیان: شب یخبندان و مهتابی).

1. Mallarmé

2. Maupassant

استفاده از این سبک به وسیله درویشیان، علاوه بر این که نتیجه تأثیرپذیری وی از جریان‌های ادبی رئالیسم و ناتورالیسم بود، به شرایط اجتماعی آن زمان نیز وابسته بود. آزادی بیان در آن دوره مجاز نبود و نویسندگان با تمسک به بیان ساده می‌توانست رنج‌ها و امیدهای توده ستم‌دیده را مستقیماً بیان کند؛ به عبارت دیگر با آن‌ها "هم‌زبانی" کند. البته در بهره بردن از کلام عامیانه، درویشیان اولین نبود؛ بلکه ادامه‌دهنده راه بسیاری از نویسندگان پیشرو قبل از خود نیز به شمار می‌آید که از آن جمله جمال‌زاده، آل احمد و هدایت را می‌توان نام برد.

۱۲- فقر

شخصیت‌های داستان‌های مکتب ناتورالیسم از طبقات پایین و آسیب‌پذیر جامعه انتخاب شده‌اند. در هر دو اثر درویشیان نیز فقر مهم‌ترین عامل داستان است که به عنوان مسبب همه بدبختی‌ها و مشکلات قهرمانان داستان جلوه می‌کند. درون‌مایه هر دو اثر بی‌عدالتی و فساد، فقر مادی و فرهنگی و ستم‌هایی است که بر مردم و قشر ضعیف جامعه تحمیل شده است. توصیف‌های دقیق نویسنده و نگارش واضح و بدون هیچ‌گونه چشم‌پوشی از زندگی مردمان عادی‌ای که تشکیل دهنده هسته اصلی داستان می‌باشند، نمود مبرهن از وقایع ناخوشایند و تلخ جامعه فقرزده است و نویسنده با توصیف چهره قهرمانان داستان، فقر و محرومیت فرهنگی و تأثیر مستقیم فقر و فساد اجتماعی بر افکار مردمان غرق در خرافه و نادانی و جهل را به بهترین شکل ممکن به تصویر می‌کشاند.

وجود فقر موجب افزایش بی‌سوادی می‌شود و اعتقاد به خرافات و باورهای غلط، اوضاع زندگی افراد را دگرگون می‌کند (خلیلی جهان‌تیغ و عثمانی، ۱۳۹۱، ۱۱۹). بیشتر خانواده‌هایی که شریف (قهرمان و راوی داستان سال‌های ابری) با آنها آشنا می‌شود، در فقر دست و پا می‌زنند و این فقر معلول عقاید و عملکرد اشتباه اشخاص نیز هست. بیان احساس گرسنگی زیاد از زبان شریف و لطیف قهرمانان داستان آبشوران به قدری ماهرانه نگاشته شده است که کمتر خواننده‌ای می‌تواند از آن به سادگی از آن بگذرد. بیان این احساس از عهده کسی بر می‌آید که خود این لحظه‌های سخت را تجربه کرده باشد یا در پیرامون خود این صحنه‌ها را درک کرده باشد چنان‌که درویشیان به زیبایی و مهارت هر چه تمام‌تر این درد گرسنگی و نداری را برای خواننده ترسیم کرده است:

آهسته می‌رفتیم و از خانه نان می‌دزدیدیم و می‌گذاشتیم لیفه شلوارمان، تا ننه غافلگیرمان نکند. وقتی از اتاق بیرون می‌آمدیم دست‌هامان را آزادانه تکان می‌دادیم که

یعنی چیزی نبرده‌ایم ولی خودمان را تکان نمی‌دادیم که مبادا نان بیفتد. اگر ننه می‌دید با چنگول میان ران‌هایمان را کبود می‌کرد، می‌نالید، سر خود را به دیوار می‌زد، می‌نشست گوشه اتاق و زانوها را بغل می‌کرد، خودش را به چپ و راست تکان می‌داد و می‌موئید (درویشیان، ۱۳۵۸، ۹).

گرسنه‌ام بود اما ننه من و لطیف را قسم داده بود که دست به نان نزنیم (همان، ۱۴).

یکی از عوامل مهم فقر، بیکاری پرسوناژهای مرد داستان است. پدر شریف از جمله مردهایی است که مشکلات اقتصادی حاکم بر جامعه و بیکاری و البته طرز تفکر غلط او در برخورد با مشکلات سبب شده‌اند که نتواند برای خانواده‌اش رفاه و زندگی مطلوب را فراهم کند. درویشیان عکس‌العمل پدر را در مواجهه با فقر چنین به رشته تحریر در آورده است:

عصرها و فرداها می‌آمدند و پدرم همیشه می‌گفت: پول ندارم و خرجی را ناتمام می‌داد یا اصلاً نمی‌داد و همیشه بدهکار بود. بعضی روزها هم کار به کتک کاری می‌کشید. بابا دیگر آن آدم همیشگی نبود، گیس ننه را می‌گرفت و دور کرسی می‌گرداند و ما از بند دل جیغ می‌کشیدیم. فریاد می‌زدیم و به بیرون می‌دویدیم تا صدایمان را بشنوند و به فریادمان برسند. دوباره بر می‌گشتیم و روی دست و پای بابا می‌افتادیم (همان، ۵۳).

۱۳- وجه اعتراضی اجتماعی و سیاسی داستانهای مبتنی بر اصول ناتورالیستی

شکل‌گیری مکتب ناتورالیسم در دورانی است که انقلاب‌های کارگری رو در روی حکومت‌های ارتجاعی بورژوازی قرار می‌گیرند. بنابراین ملاحظه می‌شود که ناتورالیسم یک عصیان اجتماعی بود که در سال‌های ۱۸۴۸-۱۸۷۱ سبک مسلط ادبی در فرانسه شد (اصلاح پذیر، ۱۳۸۹، ۷۶). آثار ناتورالیستی بازتاب جنبش‌های کارگری بودند که به وسیله مردم در برابر ظلم و ستم حاکم بر جامعه ایستادگی می‌کردند. قهرمانان داستان‌های ناتورالیستی تا جایی که برایشان مقدور است در مقابل ظلم مقاومت می‌کنند. در بسیاری از آثار زولا شاهد این مقاومت و ایستادگی هستیم که از آن جمله می‌توان به اعتراضات کارگران معدن وورو به سرکردگی اتین لانتیه^۱ در رمان ژرمینال^۲ اشاره کرد. این مقاومت و ایستادگی موجب مرگ

1. Etienne Lantier

2. Germinal

تأسف‌بار برخی پرسوناژهای داستان هم می‌شود، چنان که در داستان سال‌های ابری درویشیان صحنه مرگ «مردان» را از زبان شریف دارویشه توصیف می‌کند. توجه به اعتراضات سیاسی-اجتماعی ایران در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ از جمله مشخصه‌های ناتورالیسم در آبشوران و سال‌های ابری به حساب می‌آید. دوران نوجوانی شریف دارویشه قهرمان رمان سال‌های ابری بستر آشنایی او با سیاست است. توصیف و ترسیم فضای عامه جامعه ایرانی در عصر ملی شدن صنعت نفت، کودتای ۲۸ مرداد و تحریکات حزب توده جزء مهم‌ترین وقایع تاریخی-سیاسی داستان است. اعتراض‌های طبقه کارگری به ستم و ظلمی است که از جانب حکام بر آنها رفته است. فقر یکی از نتایج بی‌عدالتی اجتماعی و ظلم است. درویشیان به زیبایی چگونگی شکل‌گیری روحیه اعتراضی و انتقام‌خواهی در مردمانی را که شاهد سایه شوم و تلخ ظلم و فقر بر زندگی خانوادگی‌شان هستند این گونه نوشته است:

«جیغ‌های دلخراش اصغر همیشه در گوشم خواهد بود. این جیغ‌ها تا ابد مرا بیدار نگه خواهد داشت و مرا بر ضد آن‌که همیشه خرجی‌اش آماده است، آن‌که همیشه شکمش مثل زالو پر است و کاری نمی‌کند که همیشه خرجی داشته باشد خواهد شوراند. بر ضد آن‌که گوشش کر است و جیغ‌های اصغر را نمی‌شنود. ناله‌های ننه را نمی‌شنود، برضد آنکه نفهمید و ندانست و نخواست بداند که چرا همیشه زیر چشم ننه‌ام از درد کبود بود، همیشه گیسویش شانه زده، آشفته و پر درد و همیشه گرسنه بود تا ما، نیم سیر باشیم» (درویشیان، ۱۳۵۸، ۵۴).

۱۴- تضاد طبقاتی

تضاد طبقاتی نمادی از اختلاف عمیق طبقات اجتماعی است که خود بیانگر شکاف بین مردمان فقیر و ثروتمند جامعه است. این اختلاف بر اثر مشکلات اقتصادی کشور و فساد حاکم بر دولت وقت ایران است. این تضاد طبقاتی را در سطرهای ابتدایی داستان و به هنگام توصیف فضای داستان به خوبی شاهدیم. دوام قوی و از بین رفتن ضعیف، نکته غالب بر تم‌های ناتورالیستی می‌باشد. درویشیان این اختلاف طبقاتی را به شکل‌های گوناگون ترسیم کرده است، در بخشی از مجموعه داستان آبشوران با عنوان خانه ما نویسنده پراکنده‌گی نور ماه را به تاول‌های پای پسری که به خاطر کار زیاد و نداشتن کفش مناسب به وجود آمده است، تشبیه می‌کند:

وقتی که از سراب برگشتم، شب روی دل شهر نشسته بود. نفس شهر بند می‌آمد. ماه روی پوست آسمان ترکیده بود، مثل تاول‌های پشت پای اکبر از دور چراغ‌های شهر چشمک می‌زدند و همان‌طور که به پایین شهر می‌رسیدند کم‌نورتر و ریزتر می‌شدند تا محله ما، که تاریک تاریک می‌شد (همان، ۳۲).

در بخشی دیگر ترسیم اختلاف طبقه اغنیاء و فقرای جامعه را با تفاوت‌های سبک معماری و ساخت‌وساز بیان می‌کند:

من می‌دانستم که آب دنیا را نمی‌بره. آب فقط خانه‌ای گلی را می‌برد. خودم روزها از میان آشورا تا آن بالا‌های شهر رفته بودم. خانه‌های سنگی و آجری را آب نمی‌برد (همان، ۱۰).

این اختلاف‌ها به مسائلی هم‌چون کودکان کار و شیوه ساخت‌وساز خانه‌ها محدود نمی‌شود و نویسنده یادآور می‌شود که در مدرسه هم بین دانش‌آموزان فقیر و ثروتمند تبعیض قائل می‌شده و معلم به راحتی دانش‌آموزان فقیر را حمال‌زاده خطاب می‌کرده است:

معلم سرود که با چشم‌های سرخ می‌آمد همه ساکت می‌شدیم، می‌گفت: "توی این کلاس عده‌ای حمال‌زاده هستن که سروصدا می‌کنند" اما ناگهان از گفته خود پشیمان می‌شد و با عجله می‌گفت: "البته عده‌ای هم آفازاده هستن که سروصدا نمی‌کنن و همیشه آرومن" (همان، ۲۰).

۱۵- خرافه

خرافه، جهل و فقر فرهنگی از مهم‌ترین عوامل بدبختی توده مردم است. طبق تعریف فرهنگ لغت عمید، خرافه عبارت است از مجموعه اعتقادات یا اعمال ناشی از نادانی، ترس از ناشناخته‌ها، اعتقاد به جادو و بخت، درک نادرست از بعضی علت و معلول‌ها و مانند آن (عمید، ۱۳۷۳، ۵۲۴). آغاز دردناک داستان سال‌های ابری که توصیف درد زایمان مادر است، همراه می‌شود با توصیف‌های دقیق و جزء به جزء نویسنده از فضای سراسر جهل شخصیت‌های داستان. در طول داستان اشاره‌های فراوانی به باورهای خرافی می‌شود از جمله اعتقاد به جن و پری، آل، دیو و غیره. درویشیان هنرمندانه توانسته حکمرانی اجنه بر زندگی مردمان بدبختی که جهالت و نادانی بر آن‌ها غالب است را به تصویر بکشاند.

آل یا زائو ترسان، موجودی است خیالی-افسانه‌ای که طبق باور عامه، اگر زن تازه‌زا را تنها بگذارند، سراغش می‌آید و به او آزار یا آسیب می‌رساند. طبق باورهای عامیانه آل می‌تواند با آسیب رساندن به جنین موجب سقط جنین شود، آل نوزادان زیر چهل روز را دزدیده و اقدام به تعویض با بچه خود یا بچه جن می‌کند. هر چند این باور علاوه بر ایران در باورهای سنتی مردمان قفقاز، آسیای میانه و بخش‌هایی از جنوب روسیه است، اما هیچ نظریه علمی منوط بر وجود آل موجود نیست و این باورها فقط بر پایه خرافه است. این باور خرافی در بخش‌هایی از داستان سال‌های ابری دیده می‌شود:

آل دوباره ظاهر می‌شود. الاغ تا آل را می‌بیند شروع می‌کند به عرعر کردن و جفتک انداختن (درویشیان، ۱۳۷۰، ۱۱). در این قسمت راوی داستان تحت تأثیر اندیشه‌های آدم بزرگ‌های داستان در حال مبارزه با آل است.

عمو تراب: "مادرم را آل برد. هنگام زاییدن. مرا زایید و مرد" (همان، ۴۲۶).

طبق باور عامه آل به شکل‌های مختلف درمی‌آید و در لحظه تولد می‌آید تا نوزاد را با خود ببرد. یکی از شکل‌هایی که آل را به آن متصور می‌شوند گربه است:

گره سیاهی از دیوار حصار به کنار باغچه می‌پرد. صورت خانم و زن شادان زرگر با شتاب به سوی گربه می‌دوند و دنبالش می‌کنند: پیشت... پیشت... خودشه... خود خودشه! رد خور نداره (همان، ۱۶).

بر طبق همین باور به هنگام وضع حمل، اتاقی را که زائو قرار است در آنجا زایمان کند با تصویرها و نقاشی‌ها، به شکلی در می‌آورند که آل بترسد به آن اتاق وارد شود. شریف پرسوناژ و راوی داستان سال‌های ابری در آغازین صفحه‌های داستان که لحظه تولد بشیر سومین فرزند خانواده است، اتاقی را که مادرش (زهرا، نام مادر شریف است که در داستان ننه خطاب می‌شود) در حال وضع حمل است چنین توصیف می‌کند:

از پس پرده به گوشه اتاق چشم می‌دوزم. یک شمشیر سیاه در سه‌کنجی اتاق به دیوار آویزان است. در زیر شمشیر یک مشت چنگ مریم در کاسه ذراتی پر آب گذاشته‌اند تا باز شود. [...] روی دیوار اتاق با زغال خط‌های عجیب و ترس‌آوری کشیده‌اند. کله یک دیو با شاخ‌های پیچ در پیچ. سر و تنه یک ازدها که دو تا از دندان‌هایش بیرون آمده و یک شیطان که شاخ و دم دارد (درویشیان، ۱۳۷۰، ۶).

یکی دیگر از باورهای عامه که با خرافه آمیخته شده است، حضور جن در زندگی انسان‌هاست. بنا به گفته قرآن جن وجود دارد و حتی سوره‌ای در قرآن با این اسم وجود دارد. اما با رجوع به تفسیرهای معتبر قرآن، متوجه خواهیم شد که آنچه که با عنوان جن‌گیر و فال‌گیر در جامعه رایج شده است خرافه‌ای بیش نیست و افراد سودجو با سوء استفاده از این نکته، پول‌های کلانی به دست آورده‌اند. در داستان سال‌های ابری و آبشوران مشاهده می‌کنیم که جهل و اعتقاد به خرافه‌هایی از این دست، چگونه بر زندگی مردمان فقیر و بیچاره‌ای که به سختی پول به دست می‌آورند تأثیر می‌گذارد و موجب می‌شود به راحتی سرمایه زندگی خود را به دلیل اعتقاد به همین خرافه‌ها از دست بدهند. بشیر (فرزند سوم خانواده) بیمار می‌شود و مادر برای معالجه بشیر به جای مراجعه به پزشک، دست به دامن فال‌گیر می‌شود:

فال‌گیر بشیر را نگاه می‌کند. کف پای بشیر را دست می‌کشد [...] و می‌گوید: یک جن که کاملاً او را می‌شناسم، شب‌ها کف پای بچه را لیس می‌زند. [...] خطاب به چیزی که زیر چادر است می‌گوید: ای جن بن جن بن جن بن جن تقاضای عاجزانه دارم. شفاعت می‌کنم. دست از سر این بچه بردار. شفاعت می‌کنم که نذر و نیاز بدهند. صدقه بدهند. بچه‌های تو را اذیت نکنند. آب داغ روی زمین نریزند. گربه‌های سیاه را آزار نرسانند (همان، ۳۳۶).

۱۶- اعتقاد به جبرگرایی

جبرگرایی و تسلیم تقدیر بودن از مهم‌ترین اصول حاکم بر داستان‌های نویسندگان ناتورالیست است. این جبر محصول نوع نگرش نویسنده ناتورالیست به هستی و جامعه است که این نگرش تضمین‌کننده اعتقاد به جبر و سرنوشت در مکتب ناتورالیسم است. حاکمیت جبر بر شخصیت‌های داستان سال‌های ابری و آبشوران نشئت گرفته از حقیقتی است که همواره پنهان مانده، یعنی زندگی ابنای بشر در همه برهه‌های زمان این زشتی‌ها را در بر می‌گرفته اما انسان‌ها سعی در کتمان کردن آن داشته‌اند. طرز تفکرات جبرگرایانه پدر، که در خانواده‌های ایرانی رکن اصلی را دارد، یکی از دغدغه‌های شریف است. مش بوچان پدر راوی و قهرمان داستان سال‌های ابری (شریف) مرد بیکاری است که این بیکاری نتیجه اوضاع آشفته اقتصادی عصر خود است. این پدر همیشه حش خورده می‌شود و عکس‌العمل و راه چاره او در برابر این حق خوری‌ها، تسلیم محض شدن است. پدر خانواده، خانه را که تنها سرمایه

زندگی فقیرانه‌شان است، با ساده‌لوحی از دست می‌دهد و در توجیه این ندانم‌کاری تنها دلیلی که می‌آورد این است که: قسمت بود. یعنی در اصل جن خانه با ما بد شد (همان، ۴۲).

در ادامه پدر توضیح می‌دهد که یک نفر پشمینه پوش، بلندقد و گردن‌کلفت در زیرزمین خانه بوده که مدام او را تهدید می‌کرده که هرچه زودتر دست زن و بچه‌ات را بگیر و از این خانه بکش و برو. بعدها کاشف به عمل آمد که مرد پشمینه پوش جن نبوده بلکه آقای یعقوبی همسایه یهودی بوده که با استفاده از جهل و باور خرافی اعتقاد به جن، توانسته بود خانه را با ارزان‌ترین قیمت از چنگ پدر خانواده به در آرد.

این پدر با تفکرات جبرگرایانه‌اش و شخصیت منفعل و بی‌تدبیر در سخت‌ترین لحظه‌های زندگی، خانواده را ترک می‌کند یا گوشه‌ عزلت را برمی‌گزیند. هر گاه حقی از او ضایع شود به جای استیفای حق از دست رفته‌اش به اصطلاحاتی پناه می‌برد که به خوبی بیان‌کننده طرز تفکر و مشی او در زندگی است:

خدا حق بز بی‌شاخ را به شاخ‌دار وا نمی‌گذارد (همان، ۴۷). گلیم همیشه از طرف

نازکش پاره می‌شود (همان، ۴۷).

همه چیز از نازکی پاره می‌شود ظلم از کلفتی (همان، ۴۷). خدایا غضبت را از ما دور کن و... این‌ها همه صحبت‌ها و عکس‌العمل‌های پدر است در مقابل حق‌خوری‌ها و ظلم‌هایی که در حقش می‌شود.

اما این جبر نه تنها در تفکرات پدر که تقریباً در طرز تفکر اغلب پرسوناژها ریشه دوانده است. بی‌بی در توجیه بدبختی و فقر خانواده این گونه استدلال می‌کند: "خدا همه چیز را به همه کس نمی‌دهد. همیشه یک گوشه کار را لنگ می‌گذارد تا بنده‌اش عاصی نشود" (همان، ۲۱۶).

۱۷- وراثت

در داستان‌های آبشوران و سال‌های ابری مشاهده می‌کنیم که نویسنده مؤلفه وراثت را که یکی از اصول ناتورالیسم است نیز لحاظ کرده است. راوی داستان سال‌های ابری شریف پسر بوچان است. بوچان پسر داوریشه است. داوریشه مردی است که در برابر ظلم و ستمی که از سوی خان‌ها و زمین‌دارها به مردم مستضعف می‌رود، ایستادگی کرده است هر چند که خود نیز به شدت تحت شکنجه و آزار قرار می‌گیرد. پدر داوریشه، دهقان فقیری به همین نام است

که همسرش و خودش سرنوشت غم‌انگیزی داشتند. درویشیان در بخش و صفحه‌های متعدد داستان عنوان می‌کند که همان‌طور که ثروت نسل به نسل به دست اعضای یک خانواده می‌رسد، فقر و فلاکت هم از نسلی به نسل بعد به ارث می‌رسد. این وراثت هم در خلیقات و هم در ظاهر پرسوناژهای داستان به چشم می‌خورد.

"هر سه ما لب‌هایمان کلفت است و قهوه‌ای. این لب‌ها را از پدربزرگمان به ارث برده‌ایم" (همان، ۱۷۱).

وراثت مطرح شده در آثار مبتنی بر اصول ناتورالیسم، نه فقط از نظر چهره و قیافه، بلکه از نظر خصوصیات رفتاری نیز می‌باشد. شخصیت‌های داستان وارث رفتارهای پدران و اجداد خود هستند. در داستان *سال‌های ابری*، هنگامی که بوچان از پدرش داوریشه تعریف می‌کند و از خلیقات و روحیه مبارزه‌طلبی او مقابل ظلم خان‌ها تعریف می‌کند، شریف پسر بوچان که راوی داستان نیز است با خود می‌گوید:

حالا می‌فهمم که پسر کی هستم. [...] من نوه داوریشه هستم. فردا به همه خواهم گفت. من پسر داوریشه هستم (همان، ۲۰۵).

داستان آبشوران با تولد فرزند چهارم بوچان همراه است. بعد از سه پسر حالا دختری به دنیا آمده که به مذاق برخی از مردان خانواده خوش نیامده است و حتی گیدان عموی بچه مدعی می‌شود طفل تازه به دنیا آمده حرامزاده است. توجیه گیدان از این گفته استناد به مسئله ژنتیک و وراثت است. او می‌گوید:

خود ما، چهار تا برادریم و خواهری نداریم [...] معلوم است که در تخم خانواده ما اصلاً دختر نیست. حالا این دختر از کجا آمده است؟ (همان، ۶۳۱).

در بخشی دیگر از داستان نیز اشاره می‌کند که قلدری و ستمگری هم ارثی است و از پدر به پسر به ارث می‌رسد. زمانی که محمدرضا شاه پهلوی به حکومت رسیده است.

"رضا شاه را برده‌اند تو یک جزیره [...] پسرش را به جای او نشانده‌اند [...] وقتی مسلط شد خدا می‌داند که چه بر سر مردم فقیر بی‌آورد (همان، ۲۰۳).

۱۸- شخصیت‌های زن

از جمله مباحث مهم در مکتب ناتورالیسم، توجه به جنسیت و مسئله تقابل میان موجود مذکر و مونث است. تفکر برتری جنس مذکر بر مونث، نکته نو و تازه‌ای نیست و از زمان اسطوره‌ها تا کنون و در هر دوره‌ای به شکلی متفاوت خود را نمایانده است. ناتورالیست‌ها با همین بینش برگرفته از قانون بقای طبیعت، مذکر بودن را نشانه قدرت و برتری می‌دانند و جنس دوم را به سبب ضعف طبیعی و فیزیولوژیکش، ملزم به تبعیت از آن می‌دانند (ایرانی، ۱۳۹۱، ۱۶۳).

شخصیت‌های زن در آثار ناتورالیستی، معمولاً آدم‌هایی ژنده پوش، که به کارهای پست مشغول اند. در بعضی مواقع شخصیت زن داستان‌های ناتورالیستی نه در قالب دلاک حمام و کلفت خانه اعیان، بلکه در قالب یک روسپی که در فاحشه‌خانه‌ها مشغول است به تصویر کشیده می‌شود و در پاره‌ای موارد زن برای امرار معاش خود مجبور می‌شود عنوان زن صیغه‌ای را به همراه داشته باشد. یکی دیگر از نکته‌های مشترک ناتورالیسم در ایران و اروپا شخصیت‌پردازی پرسوناژ زن داستان است. در داستان سال‌های ابری و آبشوران تعداد پرسوناژهای زن متعدد است و همه آن‌ها شخصیت‌هایی اند که به سختی کار می‌کنند و بار سخت زندگی را به دوش می‌کشند چرا که شوهرانشان یا بیکار هستند یا درآمدشان به اندازه‌ای نیست که کفاف زندگی را بدهد. دلاکی حمام، رختشویی و کارگری در خانه اشراف از جمله مشاغل هستند که بی‌بی، ننه و غیره به آن‌ها مشغول‌اند. بی‌بی یکی از تاثیرگذارترین شخصیت‌های داستان است که به دلیل فقر و سختی زندگی، مجبور است کارهای سخت و طاقت‌فرسایی را تجربه کند. بی‌بی در بخش‌های مختلف داستان از این تجربه‌های سخت با ذکر خاطرات نه چندان خوب سخن می‌گوید:

با هزار بدبختی، بچه‌ها را بزرگ کردم. می‌رفتم به خانه‌های مردم. وسایل حمام آن‌ها را توی طاس مسی می‌گذاشتم. روی سر می‌گرفتم و می‌بردم به حمام. از آن زمان این سر درد کهنه دچارم شد. کیسه‌کش حمام شدم. تیزآب صابون بدنم را سوزاند (درویشیان، ۱۳۷۰، ۳۷).

وقتی نتوانستم کیسه‌کشی کنم، رفتم از بازار کاغذ سیگار و توتون گرفتم و به خانه آوردم [...] سیگارهایی به اسم برماخ درست می‌کردم. کاغذ سیگار را قلم می‌زدم و لوله می‌کردم. در آن توتون می‌ریختم (همان، ۳۸).

نقش و شأن زن در زندگی زناشویی ترسیم شده در آثار ناتورالیستی، در حد یک کالای مصرفی مدت‌دار است. برای کامیابی با قیمتی ارزان فروخته می‌شود و خریدار هر زمان که بخواهد او را رها می‌کند. در جامعهٔ مردسالاری که درویشیان توصیف می‌کند زنان به این باور رسیده‌اند که اگر مرد به زن سلام کند گناهی مرتکب شده است چرا که طبق قوانین نانوشته اما مرسوم، این زن است که اول باید سلام کند:

زن دایی سلیم: شریف تو نباید به من سلام بکنی، چون من از تو کوچک‌ترم. ننه:
البته هم‌سن هستید. زن دایی سلیم: هم‌سن هم که باشیم، مرد نباید به زن سلام بکند، گناه دارد! (همان، ۱۵۶)

۱۹- نتیجه

ناتورالیسم، هم‌چنان که در ادبیات جهان، در ادبیات ایران نیز هم‌چون رئالیسم تأثیرگذار نبوده است. اکثر رمان‌نویسان پیشرو ایرانی از سبک مکتب رئالیسم الهام گرفته‌اند. اما از آن‌جا که ناتورالیسم را به گونه‌ای رئالیسم افراطی محسوب می‌کنند، برخی نویسندگان به سوی این نوع از رئالیسم جذب شده‌اند که از آن جمله‌اند به خصوص چوبک، یا دولت‌آبادی و درویشیان. درویشیان را نویسنده‌ای دانستیم که هم‌چون رئالیست‌ها، محیط و لحظه را از زندگی شخصی خود و نژاد منتخب در توصیف‌ها را مردمانی از تبار خود انتخاب کرده است. اما در ادامه، بنابر نظر هیپولت تن که بر تأثیر سه عامل مهم وراثت، محیط و لحظه به عنوان یکی از عوامل مهم شناخت آثار ناتورالیستی تأکید دارد، وی نیز این سه عامل را در داستان‌سرایی خود لحاظ می‌کند. نویسندهٔ ناتورالیست را به تخیل کاری نیست. او در تلاش است تا با واقعیات سروکار داشته باشد و نشان دادن حقایق برای او مهم‌تر از هر اصلی است، هر چند که گاهی وقت‌ها برای نشان دادن حقایق متوسل به اغراق می‌شود. در دو اثر *سال‌های ابری* و *آبشوران* شاهدیم که نویسنده به توصیف دقیق شخصیت‌های و فضاهای داستان پرداخته است. *سال‌های ابری* که در چهار جلد نگاشته شده است به گونه‌ای دقیق‌تر باورهای عامهٔ مردم از ورای زبان گفتاری ای که متعلق به شخصیت‌های داستان است به تصویر کشیده است. *آبشوران* نیز مجموعه‌ای متشکل از دوازده داستان کوتاه است و شخصیت‌ها همان پرسوناژهای *سال‌های ابری* هستند. شخصیت‌هایی که نه قهرمان ملی هستند نه انسان‌های نام آشنا، بلکه مردمانی اند از جنس اغلب اقشار جامعه و دردها و آلامی دارند که برای آحاد مردم قابل درک است چرا که

از جنس دردهای خودشان است، به تصویر کشیدن زشتی جهل و خرافه و... از جنبه‌هایی هستند که یک اثر ناتورالیستی را به اثری ارزشمند و حتی می‌توان گفت اثری جامعه‌شناختی و تاریخی تبدیل می‌کند که در هر دو اثر درویشیان مشاهده می‌شود و به بهترین شکل ممکن برشی از زندگی مردمان سرزمین مان را برایمان روایت می‌کند. در پایان اذعان می‌کنیم که در تبیین برخی اصول ناتورالیستی، تفاوت‌های عمده‌ای میان آثار ادبیات فارسی با نمونه آثار اروپایی و آمریکایی آن وجود دارد که مد نظر محققان و پژوهشگران علاقه‌مند در تحقیقات آتی ایشان قرار گیرد.

۲۰- منابع

- اصلاح‌پذیر، ب (۱۳۸۹)، "ناتورالیسم"، چیستا، (۲۷۱). ۷۶-۸۶.
- ایرانی، م (۱۳۹۱)، "نگاهی به سیمای زن در ناتورالیسم سال‌های ابری"، پژوهش‌نامه نقد ادبی، (۱). ۱۷۰-۱۴۳.
- ثروت، م (۱۳۸۵)، آشنایی با مکتب‌های ادبی، تهران: سخن.
- خلیلی جهان تیغ، مریم و عثمانی، مکیه (۱۳۹۱)، "نقد جامعه‌شناختی رمان سال‌های ابری"، فصل‌نامه ادبیات داستانی، (۱). ۱۱۳-۱۳۲.
- درویشیان، ع.ا. (۱۳۵۸)، آبشوران. تهران: یارمحمد.
- درویشیان، ع.ا. (۱۳۷۰)، سال‌های ابری. تهران: اسپرک.
- رادفر، ابوالقاسم و عبدالله زاده میرعلی، حسن (۱۳۸۵)، "عوامل شکل دهنده ناتورالیسم"، مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، (۱۵). ۴۷-۶۶.
- سلیمانی، م (۱۳۸۶)، "رمان نویسی در ایران"، ادبستان، (۱). ۷۸-۸۳.
- سیدحسینی، ر (۱۳۷۶)، مکتب‌های ادبی، تهران: نگاه.
- عبدالله زاده میرعلی، ح (۱۳۸۷)، سیر ناتورالیسم در اروپا. سمنان: دانشگاه سمنان.
- عبدالله زاده میرعلی، ح (۱۳۸۸)، سیر ناتورالیسم در ایران. سمنان: دانشگاه سمنان.
- عطفی، علی‌اکبر و سپهوند، طاهره (۱۳۸۷)، "بررسی عناصر داستانی در رمان سال‌های ابری"، فصل‌نامه زبان و ادب، (۳۷). ۸۲-۱۰۶.

علی اکبری، نسرین. و کوچکیان، طاهره (۱۳۸۶)، "سال‌های ابری در نگاه نو اتوبیوگرافی-رمان"، جستارهای ادبی، (۱)، ۱۹۳-۲۱۸.

عمید، ح (۱۳۷۳)، فرهنگ عمید. تهران: امیرکبیر.

غنیمی هلال، م (۱۳۷۳)، ادبیات تطبیقی، تهران: مرکز.

فورست، لیلیان و اسکرین، پیترا (۱۳۷۵)، ناتورالیسم، تهران: مرکز.

فهیم کلام، محبوبه. و هاشمی، بهزاد (۱۳۹۰)، "بررسی دیدگاه‌های ناتورالیستی زولا و چوبک"، فصل‌نامه ادبیات تطبیقی، (۱۹)، ۸۱-۹۷.

قاسم‌زاده، ع (۱۳۹۰)، "طلوع و افول ناتورالیسم"، مجله رشد آموزش زبان و ادبیات فارسی، (۹۱)، ۵۰-۵۷.

کازرونی، ج (۱۳۷۷)، عصر علی‌اشرف درویشیان در بوته نقد، تهران: ندای فرهنگ.

مقدادی، ب (۱۳۸۷)، فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی، تهران: فکر روز.

میرصادقی، م (۱۳۷۳)، واژه‌نامه هنر شاعری، تهران: مهناز.